

تحلیل مآنوسات شناختی با نظر به دیدگاه فارابی و ابن سینا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶

قاسم علی کوچنانی^۱

فنا نه توانا پناه^۲

نادیا مافتونی^۳

DOI: 10.30497/AP.2023.244280.1616



چکیده

مشتهیات تخیلی فکری در ادبیات ابن سینا و معارف مأنوس و ملایم در بیان فارابی معطوف به جایگاه میل در حکمت نظری و در سطح ادراک است. اقتران سکون نفس، ملایمت، منافرت، اطمینان قلب، جزمیت و عنادناپذیری و رضایت خاطر به این قبیل از معارف، ضرورت بررسی مسئله حاضر و وجه انس در معرفت و اشتها به مدرکی خاص را به میان می آورد. نهادینگی و مأنوس بودن یک باور، بستگی به میزان انطباق آن با دیگر معارف شخص از جمله ملکات حاضر در وی دارد. چنین معارفی به شکل معارف پایدار و اطمینان پذیر در نفس حضور دارند. ملکات که بر اثر عادت و تکرار در ذهن ایجاد می شوند، در اندیشه فارابی توجیه کننده اقتران احساس به آراء و علوم شناختی به شمار می آیند. در بیان ابن سینا نیز ملازمات روان شناختی ادراک و حضورشان در سطح باورها و معارف، نوعی صیانت از معرفت محسوب می شوند. به باور او، میل مردم به آنچه شناخته اند، بیش از میلشان به موضوعی است که به آن انس ندارند. تبیین این سخن درباره جایگاه انس در ادراکات است. وی نیز همچون فارابی نقش ملکات را در این میان برجسته می داند و معتقد است که محیط فکری نقش زیادی در همراهی عواطف و انفعالات و احساسات با ادراکات دارد.

کلیدواژه ها: اطمینان نفس، محیط فکری، مشتهیات تخیلی، مشتهیات نفسانی، معارف مأنوس.

kuchnani@ut.ac.ir

۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

tavana@ut.ac.ir

۲. دکتری رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

nadia.maftouni@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

پژوهش‌های زیادی درباره نسبت عواطف و شناخت انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها شامل بررسی رابطه میان احساسات و تصمیم‌گیری، تأثیر شناخت در تعیین عواطف و تأثیر عواطف در شناخت است. در پژوهش حاضر، به انفعال ادراک از احساس با نظر به مأنوسات فکری توجه شده است. امیال را بیشتر ذیل «انفعالات در حکمت عملی» می‌آورند؛ اما از جایگاه انفعالات در حکمت نظری و در سطح معارف سخنی به میان نمی‌آید. همراه شدن احساسات با افکار و معلومات مسئله مهمی است که نیازمند تبیین و بررسی است و در اثر آن می‌توان از محبت به معرفتی خاص سخن گفت. در واقع این مسئله متعلق میل را در حکمت نظری (و نه حکمت عملی) بررسی می‌کند و توجه به میل در حکمت نظری و در شکل‌گیری معلومات را از نظر می‌گذراند و با نظر به آن به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا می‌توان از امیال شناختی سخن گفت؟ آیا باید به تقسیم‌بندی دیگری از آگاهی روی آورد که در اثر آن معارف به دو دسته معارف مأنوس و غیرمأنوس تقسیم شود؟ آیا با فرض پذیرش این تقسیم، آگاهی را ذیل احساس نبرده‌ایم؟ و نیز در اینجا این سؤال مطرح است که مؤلفه‌ها و معیارهای تعیین‌کننده مأنوس بودن معرفت چیست؟ برخی به نقل از ابن‌سینا انفعالات را به‌طور کلی از کارکردهای عقل عملی می‌دانند (شیبانی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۰). معنای این سخن این است که متعلق میل صرفاً یک عمل است؛ چون تفاوت‌های عقل عملی و نظری را به مدرکات آن‌ها دانسته‌اند: ۱. آیا این حصر معنی به است؟ آیا همیشه متعلق میل عملی خاص است یا در سطح معرفتی هم می‌توان از میل سخن گفت؟ «معارف مأنوس» را چگونه باید تحلیل کرد؟ سخن گفتن از معارف مأنوس به‌ویژه زمانی اهمیت دارد که انفعالات را ناشی از ارتباط عقل عملی با قوه نزوعی، یعنی قوای شهوت و غضب، و درحیطه عقل عملی دانست (نجف‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹) و باوجود معرفت مأنوس ارتباط حکمت نظری و انفعالات محل سؤال است. اگر انفعالات مختص حکمت عملی است و اگر از کارکردهای عقل عملی به خدمت گرفتن قوه متخیله است (نجف‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰)، در آن صورت با نظر به بعد معرفتی

۱. برخی دیگر تفاوت دو عقل را به مدرکات اعتباری دانسته و با دیده انکار به این تفکیک نگاه کرده‌اند (نجف‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱).

متخیله به خدمت گرفتن قوای ادراکی توسط احساسات و عواطف و امیال چگونه تحلیل پذیر است؟

نقش انفعالات بر شناخت در واقع سؤال از کارکرد عقل عملی بر عقل نظری نیز می تواند باشد؛ در صورتی که امیال و انفعالات را درباره قوه نزوعی و حکمت عملی دانست. بررسی این مسئله مهم است؛ به ویژه آنکه نزد فارابی هم حکمت نظری و هم حکمت عملی از سوی عقل نظری ادراک می شود و عقل عملی درک و اجرای جزئیات نظری است. همچنین عطف توجه به تفکیک فارابی درباره ناطق نظری و ناطق فکری از جهت ماهیت و کارکرد عقل نظری و عملی نیز مهم است (نوری، ۱۴۰۰ ش، ص ۱۱۳، ۱۱۵) پژوهشگران به نقل از ارسطو نوشته اند که امیال می توانند شرایطی ایجاد کنند که انسان به «عملی» برخلاف علم و شناخت عقلانی بپردازد (جوادی و صیادنژاد، ۱۳۸۸، ص ۱). اشاره به «عمل» در متعلق «میل» نیازمند بررسی است. آیا «علم» نمی تواند متعلق «میل» واقع شود؟ به عبارت دیگر، جایگاه «میل» در حکمت نظری چگونه است؟ آیا در ناحیه مدرکات، امکان تمایل به معرفت خلاف معرفت منطقی و استنتاجی وجود دارد؟ کیفیت این تمایل و نقش میل در حکمت نظری چگونه است؟ آیا دلیلی وجود دارد که ساحت شناخت و حکمت نظری را منزله از گرایش ها و امیال دانست؟ پژوهش ها به گونه ای هستند که گویی میل را جدا از معرفت بررسی کرده اند؛ در حالی که ملازمه میل با مدرکی خاص تبیین نشده است. در این مقاله به مآنوسات فکری در تبیین این مسئله توجه شده است. برخی از پژوهش ها مانند «زشتی گرایی نفس در حیات انسان از منظر قرآن و مکتب تحلیل روانی» (بنائیان اصفهانی، نجفی و نشاط دوست، ۱۳۹۳) به تبیین خاستگاه زشتی گرایی نفس پرداخته اند. پژوهش حاضر به دنبال ریشه این گرایش ها در حکمت نظری است.

به نظر می رسد گرایش ها و امیال شناختی در اشکال مختلف محبت و غیره، در پردازش و ساماندهی و اکتساب معلومات مؤثرند. این سؤال که انس شناختی و به دنبال آن میل شناختی چگونه شکل می گیرند، و به چه نحو در حکمت نظری ایفای نقش می کنند، مسئله مهم و تأمل برانگیزی است.

مطلوب پژوهش حاضر، بررسی تأثیر انفعالاتی همچون خشم، شادی، ناراحتی و ترس بر تصدیقات نیست؛ بلکه بررسی گرایش های شناختی است. اساساً تبیین هرگونه گرایش و

تمایلی در سطح معرفت‌شناختی است. آنجا که از مشتبهات تخیلی سخن گفته می‌شود و نیز از معارف مأنوس سخن به میان می‌آید، پژوهشگران بیشتر درباره گرایش‌های رفتاری بحث کرده‌اند و به گرایش‌های نظری و تمایلات معرفت‌شناختی به شکل تحقیق مستقلی نپرداخته‌اند. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از آراء فارابی و ابن‌سینا، به بررسی این تمایلات معرفتی توجه شده است.

۱. جهت‌گیری احساسی ادراکات

انفعالات و احساسات به عبارت ساده، واکنش‌های عاطفی و رفتاری انسان در برابر موقعیت‌های مختلف است. عوامل مختلفی می‌تواند باعث شکل‌گیری انفعالات شود؛ از جمله: باورها، شخصیت، تجربه، آموزش و فرهنگ. مسئله مهم پیروی تحلیل‌های شناختی از انفعالات و جهت‌گیری احساسی شناخت است. آیا شناخت می‌تواند متعلق حب و بغض و انس و کراهت قرار گیرد؟ برای پاسخ به سؤالاتی مانند این، به تشریح دیدگاه‌های فارابی و ابن‌سینا می‌پردازیم.

۱-۱. سنجش‌پذیری عاطفی شناخت در اندیشه فارابی

فارابی در بحث تعلیم و تربیت به اموری اشاره می‌کند که نزد نفس از اطمینان‌خاطر برخوردارند. اشاره به اطمینان‌خاطر در سطح معلومات نشان از وجود نسبتی میان احساس و معرفت است که به جهت‌گیری‌های احساسی مدرکات منجر می‌شود. بیان فارابی در این باره چنین است: باید نفوس خود را به آنچه به آن اطمینان‌خاطر دارند و آن را می‌پسندند، قوام بخشید و آن‌ها را به منطق‌ورزی عادت داد (فارابی، ۱۴۱۳، ق، ص ۱۶۶). اطمینان و رضایت‌خاطر نسبت به امور درونی شده و معارف مأنوس در ذهن ایجاد می‌شود و بر عملکرد شناختی انسان تأثیر می‌گذارد (فارابی، ۱۴۱۳، ق، ص ۱۶۶). بر مبنای این دیدگاه، نفس نسبت به امور منافر انقباض، و نسبت به امور ملائم انبساط دارد و به کارگیری معارف مأنوس به سکون نفس منجر می‌شود (فارابی، ۱۴۰۸، ق، ج ۱، ص ۵۰۴)؛ به همین دلیل در اقناع هدف سکون نفس است و در آن از اقناعیات مخاطب برای تعلیم حق استفاده می‌شود. در این موضوع، احساس اعم از محبت یا بغض نسبت به متعلق ادراک ایجاد می‌شود (فارابی، ۱۴۰۸، ق، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷). به بیان فارابی هرگونه احساسی در ناحیه ادراکات تأثیرگذار در نگرش افراد است (۱۴۱۳، ق، ص ۱۶۴-۱۶۵).

انفعالات نزد فارابی، عامل شکل‌گیری اعتقادات شناخته می‌شوند. به بیان فارابی با بررسی اصناف انفعالات و انقیادات ذهن و شناسایی امور سوق دهنده به هر انفعال، باید از اعتقادات باطل جلوگیری کرد (۱۴۰۴ ق، ص ۱۰۴). ظاهر عبارت وی نشان می‌دهد هر صنفی از انفعالات به اعتقادی منجر می‌شود و شناسایی انفعالات به شناسایی اقسام اعتقادات و اصلاح آن‌ها کمک می‌کند. در رأی وی انفعال ذهنی و اعتماد به این آراء، بر اثر تمکن ایجاد می‌شود. تمکن به معنی جای‌گیری معرفت در ذهن است، به گونه‌ای که به‌سادگی زوال‌پذیر نباشد. به همین دلیل نزد اکثریت مردم حقانیت با تمکن معنا می‌شود و تمکن کلید حقانیت یک چیز نزد آن‌هاست؛ به گونه‌ای که اعتقاد به حقانیت آن‌ها در شخص ایجاد می‌شود. این مسئله مهمی نزد فارابی است که با نظر به جهت‌گیری احساسی معارف مأنوس و متمکن تبیین‌پذیر است. در عبارت فارابی انفعال با ذهن به کار رفته است. گویی بتوان از انفعالات ذهنی سخن یاد کرد. انفعالات ذهنی، به گرایش‌هایی در فرد می‌انجامد که در اثر آن ذهن به پذیرش برخی معلومات انفعال و پذیرش بیشتری نسبت به باورهای مقابل آن دارد. در این عبارت به‌طور کلی، به تأثیر انفعال و نقش آن در شکل‌گیری معلومات و استقبال ذهن از معلومات خاصی اشاره می‌کند که نشان از وجود نسبتی میان آگاهی و احساس‌مندی به آن است. از این موضوع می‌توان به تأثیرگذاری انفعالات بر پذیرش‌های جدید ذهن یا انفعال ذهن از معارفی خاص یاد کرد. اهمیت چنین مسئله‌ای بر کسی پوشیده نیست و در تبیین آن توجه به ملکاتی که در ذهن تمکن یافته‌اند، ضروری است. به‌طور ویژه در بخش مستقلی به این مسئله پرداخته می‌شود.

عبارت فارابی در این زمینه چنین است: «فتمکنت تلك الآراء في نفوس المصغين إلیها، وإنقادت أذهانهم لها، ووقفوا بها، واعتقدوا أنّها حقّ» (فارابی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۴۰۵). فارابی از این موضوع به توطئه‌چینی (زمینه‌چینی) ذهن نیز یاد کرده است که به معنی آماده‌سازی ذهن برای پذیرش معلومات است. عاطفه‌ورزی شناختی و گرایش‌سازی به کمک ایجاد احساس به متعلق شناخت یکی از این راه‌ها است. استیلائی ملکات در نفوس یکی از تبیین‌هایی است که درباره‌ی اطلاق احساس بر معارف مورد توجه فارابی است. ملکات بار احساسی و عاطفی دارند و خنثی نیستند؛ به عبارت دیگر، افزون‌بر موضع‌گیری معرفتی ملکات اعم از معارف تصویری یا تصدیقی، وزن احساسی نیز دارند؛ گاهی احساسی را بیدار یا

خاموش می‌سازند. حضور این ملکات انبساط‌خاطر ایجاد می‌کند و تلاش‌ها جهت مقابله با آن‌ها ذهن را ناآرام می‌کند. در این حالت فرد در برابر معرفت ملکه‌شده احساس دارد. عشق و تعصب و مجادله‌ورزی معرفت صحیح می‌توانند نشان از وجود ملکات باشند (فارابی، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۶۴-۱۶۵).

در اندیشه فارابی اطمینان و آرامش‌خاطر و رضایت‌نفس از آثار وجودی معارف متمکن در نفس به شمار می‌رود که حاصل عادت و تکرار در سطح معارف است (فارابی، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۶۶). هرچقدر مداومت و تکرار آن‌ها بیشتر باشد، هیئت حاصل از آن در ذهن قوی‌تر خواهد بود و بالتبع لذت حاصل از آن هم بالاتر است (فارابی، ۱۹۹۵ م، ص ۱۳۰-۱۳۱). فارابی در اینجا التذاذ را تابع ملکات حاصل از عادت می‌داند.

چون ادراک امور ملایم همراه با لذت است و معارف مرتبط و متناظر با ملکات برای فرد، با نوعی لذت همراه هستند (مستاجران گورتانی و فاضل یگانه، ۱۴۰۱ ش، ص ۲۳۹)، همین امر زمینه تعصب را در سطح شناختی انسان پدیدار می‌کند. انس و تلائم و تعارف در ناحیه ادراکات، همسو با ملکات شناختی و تعریف آن‌هاست و ملایمت و منافرت ادراکی را می‌توان مناسبت با معارف متمکن نفسانی و عدم مناسبت با آن‌ها دانست.

تحلیل «انس»، «محبت» و «بغض» و «استقبال از مدرکات» در بیان فارابی و ابن‌سینا ناظر به هیئات و توطئات و ملکات ذهنی است (فارابی، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۹۷). به تصریح فارابی چیزی که تبدیل به هیئت و ملکه شده باشد، غبطه و محبت انسان را در پی دارد. به گونه‌ای که در هنگام تفکر و توجه و انتخاب، شخص بی‌طرف نیست و ملکات وی را از موضع خنثی بیرون می‌کند. در آن صورت از مأنوسات فکری و روان‌شناختی می‌توان سخن گفت که تمایلات فکری و روان‌شناختی شخص را تعیین می‌کنند (فارابی، ۱۹۹۵ م، ص ۱۳۰-۱۳۱) و سبب احساس محبت یا بغض به معرفت می‌شوند (فارابی، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۹۶-۱۹۷، ۱۹۹۵ م، ص ۱۳۱)؛ به همین دلیل در بررسی از مبانی میل، شوق، نگرش‌ها و گرایش‌ها، ملکات مورد توجه هستند (فارابی، ۱۴۰۸ ق، ص ۵۱-۵۲، ۴۲۲، ۱۹۹۱ م، ص ۱۳۰-۱۳۱، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۶۴-۱۶۶). جایگاه ساختاری ملکات توجیه‌کننده احساس داشتن به آراء و علوم‌شناختی است (فارابی، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۹۷).

۱-۲. سنجش پذیری عاطفی شناخت از دیدگاه ابن سینا

ابن سینا به انفعالات و انقیادات و نقش آن‌ها در جهت‌گیری احساسی شناخت توجه داشت. چنین انفعالاتی نزد وی موجب اعتقاد یا برخلاف آن، تکذیب آراء می‌شوند (ابن سینا، ص ۱۴۰۴ ق، ص ۵۷۹). علومی که به این شیوه در نفس ایجاد می‌شوند، به دلیل سکون نفسی که در هنگام پذیرش آن‌ها بر ذهن حاکم می‌شود و به دلیل آرامش یافتن نفس با آن معارف، در سطح ذهن جای می‌گیرند. به بیان ابن سینا، در اینجا می‌توان از معارف خواسته شده و استقبال نفس از آن‌ها سخن گفت. این نمونه از معارف «یشتھی» و خواستنی هستند و با کوچک‌ترین تذکری به خاطر می‌آیند (۱۹۸۰ م، ص ۵۱). ابن سینا نیز همچون فارابی معتقد است که مشتیهات و تصمیمات نفس با ملکات، یعنی هیئت‌های راسخ شده در نفس، ارتباط دارد. چنین هیئت‌هایی در جامعه و محیط که می‌توان از آن به محیط فکری یاد کرد، شکل می‌گیرند. این محیط شامل مجموعه اعتقادات و ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی است که در جامعه وجود دارد و بر نگرش افراد تأثیر می‌گذارد.

ابن سینا با بیان این مقدمه که در بیشتر مواقع انفعالات نفسانی، مبدأ تصدیق به قضایا هستند، می‌گوید: اگر فرد دفعتاً تام‌العقل خلق شده باشد و ادب نشده باشد و از انفعال نفسانی و خلقی اطاعت نکند، به امثال این قضایا تصدیق نمی‌کند. قبض و بسط‌های نفسانی بر تصدیقات فرد تأثیرگذار است (۱۳۸۳، ص ۳۶، ۳۹). گاهی هیئت‌های راسخ شده در نفس، زمینه استقبال نفس از معارف و اموری خاص را فراهم می‌کنند؛ و گاهی نیز شوق به چیزی ایجاد می‌کنند و با این سخن از شوق، نسبت به مقتضیاتشان سخن می‌گویند (ابن سینا، ۱۳۸۳، ص ۵۰، ۱۳۷۹، ص ۶۹۶). به باور ابن سینا، از تلائم لذت حاصل می‌شود و امور ملائم برخی امور ملائم بالطبع‌اند و بعضی ملائم با عادت هستند. در این میان وی به مشتیهات تخیلی و حسی و فکری مانند «قنیه» توجه می‌دهد (بی‌تا، ص ۶۰-۶۳). استفاده از تعبیر «مشتھی» در سطح نظری ناظر به اهمیت میل در حکمت نظری است؛ در صورتی که تصور رایجی که وجود دارد، صرفاً بررسی میل در حکمت عملی است. با توجه به اینکه تقسیم‌بندی عقل عملی و نظری براساس مدرکات عقل است (شیبانی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۰)، نمی‌توان میل را صرفاً به عمل منحصر دانست. در واقع میل‌ها همیشه در تناظر با ارزش‌ها و باید و نبایدها نیستند، بلکه طبق تحلیلی که فارابی و ابن سینا دارند و از مشتیهات تخیلی سخن می‌گویند، طرف میل می‌تواند

صرفاً یک تصدیق یا یک تصور باشد. بسته به شناختی که آن فرد دارد، این حدود و میل به معارف خاص تعیین و تقدیر می‌شوند که نفس با این سطح از معارف اقتضای چه معرفتی را دارد و به چه معرفتی تمایل دارد.

می‌توان در تحلیل میل گفت در مواجهه با یک انتخاب میل آشکار می‌شود؛ به عبارت دیگر میل با انتخاب رابطه دارد، اما دلیلی وجود ندارد که این انتخاب را محدود به عمل کرد. میل با انفعال نسبت دارد. وقتی انسان نسبت به چیزی میل دارد، نسبت به آن چیز منفعل است؛ بنابراین می‌توان از انفعالات شناختی و تمایلات معرفتی سخن گفت.

۲. لوازم معارف مأنوس

در ادامه لوازم معارفی که به پشتوانه اقتران به احساس در دنیای ذهن مهم شده‌اند، یعنی لوازم معارف مأنوس بررسی و تحلیل می‌شوند.

۱-۲. عدم مناقشه در معارف مأنوس

فارابی در کتاب *جمل* در بحث از اخلاق و افعال مشترک ضمن تصریح به تمکن اموری چون اکرام به والدین یا پذیرش وجود خدا، معتقد است جنس این معارف به گونه‌ای است که امکان معارضه و تشکیک با آن‌ها وجود ندارد. دلیل عدم امکان عنادآوری در مواجهه با چنین معارفی به دلیل جنبه‌های روان‌شناختی است که در اینجا ذیل عنوان جهت‌گیری احساسی شناخت به آن پرداخته شد (۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۴۲۲). جنس معرفت مأنوس به گونه‌ای است که افراد تصور می‌کنند حق و یقین است و هیچ وجه مقابلی برای آن وجود ندارد و حاصل عادت به معارفی خاص در گذر زمان استکه شکل‌دهنده امیال، در ساحت‌های نظری و ساحت‌های عملی، است (ابن‌سینا، ۱۳۲۶ ق، ص ۱۴۸). چنین میلی در سطح شناخت اهمیت فراوانی دارد که در پایگاه عاطفی شناخت می‌توان فصل مستقلی را به آن اختصاص داد؛ آن‌گونه که در غرب در روان‌شناسی شناخت از آن سخن می‌رود. همچنین ایجاد انفعالات و استدراج در انسان یکی از نکاتی است که در حکمت نظری و در سطح معارف و اندیشه بدان توجه می‌شود (ابن‌سینا، بی‌تا، مجموع، ص ۳۱). به اعتقاد ابن‌سینا میل مردم به نفعی که شناخته‌اند، بیش از میلشان به جمیلی است که به آن انس ندارند (۱۳۷۳، ص ۱۵۸) وی با این سخن به گونه‌ای نقش ملاحظاتی عاطفی و اهمیت مأنوسات فکری را به میان می‌آورد.

معارف مأنوس و تمکن یافته از مرکز توجه مستقیم خارج شده و به همین دلیل در آنها کمتر امکان تجدیدنظر، تغییر و تحول و بازنگری و نیز اندیشه‌ورزی وجود دارد. معارف مأنوس معارفی‌اند که برای فرد درونی شده‌اند و نگاه فرد به دنیا را شکل می‌دهند، به گونه‌ای که برای پردازش و معنابخشی به هر چیزی از آنها بهره گرفته می‌شود.

۲-۲. نهادینگی معارف مأنوس و نقش آنها در دلیل آوری شناختی

کلیدواژه‌هایی چون اطمینان قلب، رضایت‌خاطر، معارف مأنوس و ملایم، سکون نفس، ملایمت و منافرت و نیز مشتبهات نفسانی در سطح معارف از دلالت‌های روان‌شناختی مرتبط با ادراکات هستند. معارفی که با طمأنیة قلب و سکون نفس همراه هستند، در نسبت با معارف نهادینه‌شده در نفس به میان می‌آیند و برای اکتساب‌های جدید در فرد بستری روان‌شناختی ایجاد می‌کنند؛ آن‌گونه که برخی از محققان تحریکات و تسکینات نفسانی را به ملکات ارتباط داده‌اند (ربیعی و غفاری، ۱۳۹۷، ص ۷۳).

یکی از تبیین‌های ممکن برای حل این مسئله یعنی محوریت احساس، در شناخت توجه به ملکات است به این دلیل که ملکات مقرون به احساسات می‌شوند و از این رو نقش مهم‌تری در منظومه فکری و در دستگاه شناختی انسان دارند. در سنجش مأنوس بودن هر یک از اقسام آگاهی با یکدیگر، می‌توان از نسبت ملکات با احساسات سخن گفت؛ حال آنکه در ناحیه معارفی که به شکل حال در سطح ذهن جای می‌گیرند، این ارتباط عاطفی معمولاً یا کم‌رنگ است یا اصلاً وجود ندارد. در این فرض انس، حاصل انباشتگی و تکرار معلومات خاص در زمان‌های متوالی و به دنبال آن، حصول ملکه است.

نتیجه‌گیری

انسان گرایش‌های شناختی دارد. این گرایش‌ها معلول میل در حکمت نظری و در سطح نظر هستند. سخن گفتن از معارف مأنوس، قرینه‌ای برای جهت‌گیری احساسی شناخت به شمار می‌آید. اطمینان قلب، سکون نفس و رضایت‌خاطر نیز در این چارچوب معنا می‌یابند. چنین معارفی عنادناپذیرند و امکان معارضه با آنها وجود ندارد. معادلات شناختی و کنش‌های عاطفی و رفتاری از این گرایش‌ها متأثرند. این مسئله بررسی می‌شود و تحلیل اکتساب معلومات را از مدخل روان‌شناختی دارای اهمیت می‌کند. براساس یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت احساسات و عواطفی که با معارف ذهنی همراه می‌شوند، نقش مهمی در شکل‌گیری

معرفت دارند و همان طور که احساسات بیرونی، مانند اضطراب و خشم یا (در نقطه مقابل) شادی، می توانند باعث تغییر در روند فکری فرد، و شکل گیری باورها و دیدگاه های فرد یا تغییر در آنها شوند، به همان سان، مأنوس بودن معرفت زمینه ساز امیال شناختی و اکتساب ادراکات جدید و متناسب با آنها خواهد بود. محیط فکری نقش زیادی در شکل گیری مأنوسات شناختی دارد و معارف مرتبط با آن، با ویژگی هایی چون سکون نفس و اطمینان خاطر و تلائم ملازم هستند.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳). *الإشارات والتنبيهات* (خواجه نصیرالدین طوسی و قطب الدین رازی، شارحان). قم: البلاغة.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۲۶ ق). *تسع رسائل في الحكمة والطبيعيات*. قاهره: دار العرب.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ق). *الشفاء (المنطق)* (سعید زاید، به کوشش). قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۳). *شفاء (منطق خطابه)* (ابراهیم مدکور و محمد سلیم سالم، به کوشش). قاهره: وزارة المعارف العمومية.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۸۰ م). *عیون الحکمة* (عبد الرحمن بدوی، به کوشش). بیروت: دار القلم.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹). *النجاة من الغرق في بحر الضلالات* (محمد تقی دانش پژوه، به کوشش). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (بی تا). *کتاب المجموع* (محمد سلیم سالم، به کوشش). مصر: دار الطباعة.
- بنائیان اصفهانی، علی؛ نجفی، محمد جواد؛ و نشاط دوست، حمید طاهر (۱۳۹۳). زشتی گرایی نفس در حیات انسان از منظر قرآن و مکتب تحلیل روانی. *الهیات تطبیقی*، ۵ (۱۲)، ص ۱-۲۶.
- جوادی، محسن؛ و صیادنژاد، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی شکاف بین نظر و عمل اخلاقی از دیدگاه ارسطو. *اندیشه دینی*، ۱۱ (۳۲)، ص ۱-۲۸.
- شیبانی، محمد (۱۳۸۸). کارکردهای عقل نظری و عملی از نگاه ابن سینا. *پژوهش های فلسفی-کلامی*، ۱۱ (۲) (۴۲)، ص ۲۵۷-۲۷۳.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۹۹۵ م). *آراء اهل المدينة الفاضلة و مضاداتها* (علی بو ملحم، به کوشش). بیروت: مکتبه الهلال.

تحليل مآنوسات شناختی با نظر به .../قاسم علی کوچانی و دیگران ۱۱۳

فارابی، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). الأعمال الفلسفية، تحصیل السعادة (جعفر آل یاسین، به کوشش). بیروت: دار المناهل.

فارابی، محمد بن محمد (۱۴۰۴ ق). الألفاظ المستعملة فی المنطق (محسن مهدی، به کوشش). تهران: الزهراء.

فارابی، محمد بن محمد (۱۹۹۱ م). الملة ونصوص أخرى (محسن مهدی، به کوشش). بیروت: دار المشرق.

فارابی، محمد بن محمد (۱۴۰۸ ق). المنطقیات (محمد تقی دانش پژوه، به کوشش). قم: مکتبه آیه الله المرعشی.

مستاجران گورتانی، علی؛ فاضل یگانه، مسعوده (۱۴۰۱ ش). تحلیل و بررسی ساختار ادراک در تشخیص لذت و الم در فلسفه سینوی. حکمت سینوی، ۲۶ (۶۷)، ص ۲۳۹-۲۵۹.

نجف زاده، علیرضا (زمستان ۱۳۹۰). نظریه فلاسفه درباره چیستی و کارکرد عقل عملی. جستارهایی در فلسفه و کلام (مطالعات اسلامی)، ۴۳ (۸۷/۲)، ص ۱۶۴-۱۴۱.

نوری، محمدعلی (۱۴۰۰ ش). اندیشه فارابی درباره ماهیت و کارکرد عقل نظری و عقل عملی. دوفصلنامه علمی هستی و شناخت، ۸ (۱)، ص ۱۰۵-۱۲۲.